

با مروری بر اجلاس حقوق بشر در اسلام - ژنو، مارس ۲۰۰۲

حق تعیین سرنوشت از دیدگاه اسلام

دکتر حسین مهرپور

مقدمه

مشارکت کمیساریای عالی حقوق بشر برگزار شد و عنوان آن: «تقویت جهانی بودن حقوق بشر - دیدگاه‌های اسلامی در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر» بود.

در روزهای ۲۳ و ۲۴ اسفند ۱۳۸۰ (۱۴ و ۱۵ مارس ۲۰۰۲) اجلاسی تحت عنوان: سمپوزیوم حقوق بشر در اسلام (SYMPOSIUM ON HUMAN RIGHTS IN ISLAM) از سوی سازمان

(ENRICHING THE UNIVERSALITY OF HUMAN RIGHTS, ISLAMIC PERSPECTIVES ON THE UNIVERSAL DECLARATION OF HUMAN RIGHTS)

کنفرانس اسلامی در مقر سازمان ملل متحد در ژنو، سه روز قبل از اجلاس کمیسیون حقوق بشر و در همان محل برگزار شد. این اجلاس دومین اجلاس از این نوع بود که از سوی سازمان کنفرانس اسلامی با هماهنگی مقامات سازمان ملل و در مقر اروپائی آن سازمان برگزار می‌شد. اجلاس اول در روزهای ۱۸ و ۱۹ آبان ۱۳۷۷

این اجلاس که از سوی سازمان کنفرانس اسلامی تشکیل شد، با مقامات سازمان ملل و مخصوصاً کمیساریای عالی حقوق بشر هماهنگ شده و خود کمیسر عالی نیز به عنوان مهمان در اجلاس سخنرانی کوتاهی ایراد کرد.

(۹ و ۱۰ نوامبر ۱۹۹۸) در آستانه پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر با

شرکت کنندگان در اجلاس عموماً از شخصیت‌های شناخته شده دانشگاهی و بعضاً

- دارای عناوین سیاسی و اجتماعی بودند که از کشورهای مختلف اسلامی، بر اساس صلاحیت‌های شخصی خودشان از سوی سازمان کنفرانس اسلامی دعوت شده بودند. مجموعاً پانزده سخنرانی در چهار جلسه صبح و بعد از ظهر روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۳ و ۲۴ اسفندماه سال ۸۰ ایراد شد که دو سخنرانی مربوط به سخنرانی افتتاحیه دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی و خانم رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر، به عنوان مهمان ویژه، ایراد شد. سیزده سخنرانی دیگر نیز توسط صاحب‌نظران شرکت‌کننده در اجلاس که مقالات خود را قبلاً ارسال کرده بودند، ایراد شد. بر خلاف اجلاس سال ۱۳۷۷، این اجلاس به صورت عمومی برگزار شد و پس از ایراد سخنرانی، بحث و پرسش و پاسخ آزاد از سوی حاضرین در جلسه به عمل آمد، حاضرین در جلسه توانستند دیدگاه‌ها و سئوالات خود را در ارتباط با سخنرانی انجام شده ابراز دارند و سخنرانان در مقام پاسخ، توضیحاتی ارائه دهند. اسامی سخنرانان و ارائه‌دهندگان مقاله در اجلاس با عناوین سخنرانی به ترتیب زمان سخنرانی بدین شرح می‌باشد:
- ۱- دکتر احمد المفتی از سودان: معاون وزارت دادگستری سودان، موضوع سخنرانی: اقدامات کنونی در مورد مبارزه با تروریسم و اثر آن بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی
- ۲- دکتر حسین مهرپور از ایران: موضوع سخنرانی: حق تعیین سرنوشت
- ۳- دکتر عمر جاه استاد دانشگاه بین‌الملل اسلامی مالزی، موضوع سخنرانی: حقوق قضائی و مجازات‌ها
- ۴- استاد کامل الشریف دبیرکل مرکز بین‌المللی اسلامی، از وزراء سابق اردن، موضوع سخنرانی: نژادپرستی و حقوق بشر
- ۵- پروفسور روان امبای، رئیس مرکز تخصصی اسلامی در زمینه علوم و تحقیقات، از سنگال، موضوع سخنرانی: حقوق بیگانگان در دولت اسلامی
- ۶- دکتر عدنان الوزان معاون وزارت اوقاف و امور اسلامی عربستان سعودی، موضوع سخنرانی: حق شورا، بیعت و مشارکت سیاسی
- ۷- دکتر محمد سلیم العواء، اندیشمند اسلامی و استاد دانشگاه‌های مصر، موضوع سخنرانی: حقوق بشر غیر نظامیان در خلال درگیری‌های مسلحانه
- ۸- دکتر محمد عزالدین عبدالمنعم، استاد دانشگاه و از مقامات عالی رتبه وزارت امور خارجه مصر، موضوع سخنرانی: نقش سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه حقوق بشر
- ۹- دکتر عبدالکبیر العلوی المدغری، وزیر اوقاف و امور اسلامی مراکش موضوع سخنرانی: حق حیات و کرامت انسانی
- به لحاظ عدم حضور، مقاله توسط نماینده

ایشان قرائت شد.

۱۰- دکتر احمد صدقی الدجانی، عضو مجلس ملی فلسطین، موضوع سخنرانی: حقوق کودک و خانواده

۱۱- دکتر مراد هوفمان از آلمان، سفیر سابق آلمان در مراکش و الجزایر، موضوع سخنرانی: حق آزادی بیان، تحقیقات علمی و اطلاعات

۱۲- دکتر مختار امبو، مدیر کل سابق یونسکو، موضوع سخنرانی: حقوق زن از دیدگاه اسلامی

۱۳- دکتر شاذلی قلبی دبیر کل سابق اتحادیه عرب موضوع سخنرانی: تجددگرایی

(MODERNITY APPROACH)

افتتاح اجلاس با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید صورت گرفت، که این امر در اجلاس های منعقد در مقر سازمان ملل امری بی سابقه بود. آقای دکتر عبدالواحد بلقزیر دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی با ایراد سخنرانی کوتاهی جلسه را افتتاح کرد.

در این قسمت ضمن اشاره ای به سخنان نامبرده و نیز سخنان کمیسر عالی حقوق بشر به درج مقاله ارائه شده می پردازم.

سخنان افتتاحیه دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی

دبیر کل ابتدا با خوشامدگویی نسبت به همه حضار، به خصوص از خانم رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر به خاطر شرکت در این

سمپوزیوم تشکر کرد و از نقش برجسته نامبرده در تبیین و تبلیغ احترام به حقوق بشر در همه جا و اعلام نقطه نظرات فراگیر در ارتباط با رعایت حقوق بشر در اوضاع و احوال مختلف تقدیر نمود. وی همچنین از تمام سخنرانان این سمپوزیوم و از سفرا و اعضای نمایندگی های مختلف جهت حضور در این اجلاس تشکر کرد. آنگاه یادآور شد که این اجلاس قرار بود سال پیش برگزار شود که بنا به جهاتی تاکنون به تعویق افتاده است. برگزاری آن در این موقعیت ارتباطی با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) آمریکا ندارد، ولی به هر حال حادثه مزبور پیامدهایی داشته و به نحوی اسلام و مسلمین را درگیر کرده است. تقارن این وضعیت با برگزاری این اجلاس فرصت خوبی است که در این شهر اروپایی موضع اسلام در مورد تعدادی از مسائل و رویدادهای بین المللی توضیح داده شود.

وی آنگاه گفت: حقوق بشر؛ بخش لاینفک حقوق طبیعی است که از هنگام تولد با سرنوشت انسان گره خورده است و از سوی همه مذاهب و آئین ها از قدیم الایام به رسمیت شناخته شده، هر چند تفاوت ها و اختلاف ها در حد و گستره آن هم اکنون وجود دارد. اسلام نسبت به دیگر مذاهب و ادیان این امتیاز را دارد که مفهوم جدید و وسیع تری از حقوق بشر و کرامت انسانی (human dignity) ارائه کرده است. اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به عنوان

دستاورد تمدن جدید بر اساس مبارزه توده مردم برای به دست آوردن آزادی‌های سیاسی اعلام شد. دیدگاه اسلام در مورد حقوق انسان که بیش از چهارده قرن قدمت دارد، از تعریف خاص خود از انسان بر مبنای رابطه‌اش با خالق خویش، جهان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، نشأت می‌گیرد.

بنابراین، مفهوم کرامت انسانی در اسلام در چارچوب یک نظام اجتماعی، معنوی مقدس قرار دارد که بسیار فراتر از حقوق مادی و سیاسی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تقدیس قرار گرفته است. اگر اعلامیه جهانی حقوق بشر رعایت آن حقوق را برای احترام به حقوق انسان‌ها لازم می‌داند، احترام به کرامت انسانی در اسلام جزو فرامین واجب‌الاطاعه است که در متون مقدس مذهبی آمده و نمی‌توان از آن سرپیچی کرد.

هر یک از این عبارات نیازمند تحقیق و شرح و بیان هستند که در مورد آن کتاب‌ها باید نوشته شود.

دبیرکل سپس گفت، با توجه به مطالب فوق، تردیدی نیست که موضوع حقوق بشر به اندازه تاریخ اسلام قدمت دارد و از جایگاه اساسی و محوری در اسلام برخوردار است. در واقع، حقوق بشر محوری است که حکومت و فلسفه وجودی و ابزار آن حول آن می‌چرخند.

تحقق کرامت انسانی مستلزم تحقق برخی شرایط ولوازم، همچون عدالت جمعی و تساوی در میان اعضای یک جامعه، اعم از زن و مرد، غنی و فقیر، مسلمان و غیرمسلمان و مقتضی اجرای دموکراسی در مفهوم وسیع آن می‌باشد. قرآن کریم درباره مؤمنین می‌فرماید: امورشان

بر اساس مشورت انجام می‌شود، (امرهم شوری بینهم). یک بیان معروف اسلامی می‌گوید: عدالت اساس حکومت است. (العدلُ أساسُ المُلک) در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

ما در حقیقت شاهد بودیم که چگونه دولت‌هایی که خود را حامی حقوق بشر و آزادی‌های عمومی می‌دانستند، هنگامی که مورد حمله تروریستی واقع شدند بسیاری از اصول

اسفند ۱۳۸۰) در اجلاس شرکت کرد و سخنان کوتاهی ایراد نمود. به لحاظ اهمیت آن و نکات جالبی که در مورد اسلام بیان کرد، قسمتی از آن را نقل می‌کنم.

خانم رایینسون ضمن ابراز خوشوقتی از شرکت در اجلاس و ایراد سخنرانی عذر خود را برای عدم توفیق شرکت در مراسم گشایش اجلاس، خستگی ناشی از سفر طولانی و دشوار به کشورهای مصر، لبنان، بحرین، افغانستان و پاکستان اعلام و اشاره کرد با حضور در منطقه از بدتر شدن اوضاع در فلسطین اشغالی از نزدیک آگاهی یافته و از رهبران اسرائیل و فلسطین مجدداً و مؤکداً خواستار احترام به حقوق بشر و مقررات بشر دوستانه بین‌المللی شده است. وی گفت: گزارش کامل این دیدارها را به کمیسیون حقوق بشر تقدیم خواهد کرد.

خانم رایینسون همچنین اشاره کرد که در روز جهانی زن در کابل بوده و همراه با زنان افغانی که از سراسر کشور آمده بودند در مراسم این روز حضور پیدا کرده است و آن را رویدادی بسیار پربار و مفید توصیف کرد.

وی در مورد شروع گفتگو پیرامون دیدگاه‌های اسلامی گفت: نخستین بار در سال ۱۹۹۸ هنگامی که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درخواست کرد که در سازمان ملل فرصتی ایجاد شود تا دیدگاه‌های اسلامی نیز در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر ابراز شود،

حقوق بشر را زیر پا گذاشتند. این دولت‌ها حتی مرتکب خشونت و انتقام‌گیری علیه مردم بی‌گناه شدند که با هیچ‌یک از معیارهای عدالت خواهی چه در تعریف ملی چه بین‌المللی قابل توجیه نیست، این نمونه‌ها ما را وادار می‌کند که تلاش‌های مداوم خود را برای برقراری فرهنگ احترام به حقوق و آزادی‌های عمومی نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای توسعه یافته که این تجربه‌ها را از وحشیانه، شکننده بودن رعایت این اصول را از سوی آن دولت‌ها نشان داده به کار بندیم.

نیازی به گفتن نیست که الزام رعایت حقوق بشر به عنوان یک دستاورد مهم بشری به تضمین رعایت آزادی‌های عمومی، برقراری عدالت و در نتیجه استقرار امنیت، آرامش و تحمل یکدیگر کمک می‌کند. این امر نمایانگر پیروزی عظیمی برای بشریت است که اگر تحقق یابد، افق‌های صلح اجتماعی، رفاه، پیشرفت و زندگی توأم با کرامت را به روی بشریت می‌گشاید. با این دیدگاه، این اجلاس را ترتیب دادیم، بدین امید که به نوبه خود گامی در جهت فراخواندن بشریت به سوی نزدیک‌تر شدن به این هدف و آرزوی بزرگ انسانی برداشته باشیم.

سخنرانی کمیسر عالی حقوق بشر

خانم مری رایینسون، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در صبح روز دوم اجلاس (۲۴

پاسخ مساعد به این درخواست داده و با همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، سمیناری تحت عنوان: «تقویت جهان شمولی حقوق بشر، دیدگاه‌های اسلامی در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر» ترتیب داد که هدف آن تعمیق فهم پیام اسلام در زمینه حقوق بشر بود. وی ادامه داد که اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد و بیانیه سال گفتگوی تمدن‌ها و قطعنامه اخیر کمیسیون حقوق بشر جملگی بر این نکته تأکید دارند، گفتگوی بین تمدن‌ها مستلزم ادامه تلاش‌هایی به منظور ارتقای فرهنگ تحمل‌پذیری بر اساس رعایت حقوق بشر برای همه و احترام به تنوع مذهبی است و هدف نهایی از این امر، بالا بردن سطح تفاهم چند جانبه و احترام آحاد مردم نسبت به یکدیگر می‌باشد و این اجلاس سهم مهمی در این روند به عهده خواهد داشت.

خانم رابینسون سپس خطاب به حضار در مورد عظمت اسلام گفت: وقتی ما از اسلام صحبت می‌کنیم، از دینی سخن می‌گوئیم که بیش از بیست درصد از جمعیت جهان را با فرهنگ‌های متنوع در سراسر دنیا دربر می‌گیرد. این مهم است که عظمت اسلام، تمدن آن و سهم عظیمی را که در غنا بخشیدن به تجربه بشری نه تنها از طریق اعتقاد عمیق و آئین خدانشناسی، بلکه همچنین از طریق علوم و ادبیات و هنر دارد، به رسمیت بشناسیم.

هیچکس نمی‌تواند انکار کند که اسلام در متن خود با اصول اساسی حقوق بشر از جمله کرامت انسانی، تحمل دیگران، همبستگی و تساوی موافق است. عبارات زیادی از قرآن و

کمیسیون عالی آنگاه تحت عنوان «نیاز بیشتر برای فهم اسلام» به حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) شهریور (۱۳۸۰) و تأثیر آن در اسلام‌ستیزی و بدبینی به اسلام در بخش‌هایی از جهان اشاره کرد و گفت: این اجلاس می‌تواند به رفع سوء برداشت‌هایی که از اسلام وجود دارد، کمک کند. آموزش و اطلاع‌رسانی عناصر کلیدی مبارزه با جهل، عدم تحمل یکدیگر و تحجر و خشک مغزی است. در سمینار قبلی، اصول مبنایی اسلام از

کمیسیون عالی آنگاه تحت عنوان «نیاز بیشتر برای فهم اسلام» به حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) شهریور (۱۳۸۰) و تأثیر آن در اسلام‌ستیزی و بدبینی به اسلام در بخش‌هایی از جهان اشاره کرد و گفت: این اجلاس می‌تواند به رفع سوء برداشت‌هایی که از اسلام وجود دارد، کمک کند. آموزش و اطلاع‌رسانی عناصر کلیدی مبارزه با جهل، عدم تحمل یکدیگر و تحجر و خشک مغزی است. در سمینار قبلی، اصول مبنایی اسلام از

حق تعیین سرنوشت از دیدگاه اسلام

مقدمه

حق تعیین سرنوشت (Right to Self-Determination) اصطلاح جدیدی است که ابتدا فارغ از ورود آن در حوزه حقوق بشر، در روابط بین الملل و برای طرد استعمار و سلطه خارجی مطرح شد و به عنوان حق ملت‌ها یعنی مجموعه‌ای از افراد انسانی که با لحاظ شرایط جغرافیایی و سوابق مشترک تاریخی، فرهنگی و... یک ملت را تشکیل می‌دهند، شناخته شد. می‌توان گفت در منشور ملل متحد، حق تعیین سرنوشت به همین معنا در بند ۲ ماده (۱) بیان شده است که طبق آن یکی از اهداف سازمان ملل: «توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها..» به شمار آمده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر که اصلی‌ترین سند جهانی حقوق بشر است از حق تعیین سرنوشت ذکری به میان نیامده است.

ورود این اصطلاح در اسناد حقوق بشر نخستین بار در میثاقین: «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» صورت گرفت. بند ۱ ماده (۱) هر دو میثاق قبل از شروع به شمردن حقوق و آزادی‌های اساسی لازم‌الرعایه افراد با بیانی یکسان مقرر می‌دارد: «همه ملت‌ها دارای حق تعیین سرنوشت

پیامبر محمد (ص) گواه این امر است. هیچکس نمی‌تواند انکار کند که از نظر تاریخی، اسلام بزرگ‌ترین انقلاب را در زمینه اعطای حقوق به زنان و کودکان صورت داد، کاری که تمدن‌های دیگر مدت‌ها بعد انجام دادند.

کمیسر عالی سرانجام با اشاره به اولین سمینار مربوط به دیدگاه‌های اسلامی در زمینه حقوق بشر که در سال ۱۹۹۸ برگزار شد، گفت: در ۱۹۹۸ هدف من این بود که نشان دهم درهای سازمان ملل برای گفتگو باز است و هر کس می‌تواند فرهنگ و سنت خود را در جستجوی بهتر رعایت حقوق بشر ارائه دهد. این تلاش برای وحدت در عین تنوع فرهنگی، مسئولیت اصلی سازمان ملل و از جمله دستگاه تحت مسئولیت من یعنی کمیساریای عالی حقوق بشر است. ما می‌توانیم با هم تفاهم بهتری داشته باشیم و حقوق اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر را کامل‌تر تحقق بخشیم. موضوع سخنرانی اینجانب «حق تعیین سرنوشت» بود که با توجه به عنوان اجلاس یعنی سمپوزیوم حقوق بشر در اسلام سعی کردم با تشریح کوتاه این عنوان در اسناد بین‌المللی، دیدگاه اسلامی را در این زمینه به طور اختصار بیان کنم. مقاله به دو زبان انگلیسی و عربی تهیه و توزیع و خلاصه آن در محدوده زمانی یک ربع به زبان انگلیسی قرائت شد و اینک اصل مقاله ارائه می‌گردد.

هستند که به موجب آن می‌توانند آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین نمایند.»

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشروین سال ۱۹۹۳ (Vienna Declaration and Programme of Action) در ماده (۲) بخش یک صریحاً حق تعیین سرنوشت را جزو حقوق بشر به حساب آورده و انکار آن را به عنوان نقض حقوق بشر قلمداد کرده است. در هر یک از دو میثاق و اعلامیه وین نیز حق تعیین سرنوشت: به ملت‌ها، مجموعه مردم، نسبت داده شده است، نه به فرد فرد انسانی و ظاهراً این است که جامعه بین‌المللی باید برای هر مجموعه واحد انسانی که به عنوان یک ملت شناخته می‌شوند، این حق را قائل شود که خود بتواند نظام سیاسی خویش را برگزیند و ترتیبات توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تعیین نماید و هیچ نیروی خارجی حق ندارد این حق را از ملتی بگیرد و نظام سیاسی خاصی را بر او تحمیل نماید.

۱- حق تعیین سرنوشت فردی

به نظر می‌رسد از دیدگاه اسلام، خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که انتخاب مسیر صحیح زندگی و تعیین سرنوشت و مقدرات از لحاظ سعادت و شقاوت با خود اوست، یعنی قدرت تشخیص و گزینش و حق گزینش به انسان داده شده است، ضمن این که رهنمودهایی توسط

۱. نگاه کنید به کتاب:

Antonio Cassese, **Self Determination of Peoples**, 1996, p.305

به نقل از اظهارات نماینده آلمان در مجمع عمومی در سال ۱۹۸۸

پیامبران برای انتخاب راه صحیح داده شده ولی حق انتخاب با خود انسان است. در بسیاری از آیات قرآن کریم، این معنی به وضوح دیده می شود. خداوند می فرماید: ما انسان را شنوا و بینا قرار دادیم و راه را به او نمایانیم یا سپاسگزار است و به راه صحیح می رود و یا ناسپاس است و راه نادرست را انتخاب می نماید: انا هدیناه السبیل، اما شاکراً و اما کفوراً (سوره انسان آیه ۳) در آیات متعددی پس از بیان وظیفه پیامبر (ص) در هدایت مردم و نشان دادن راه حق بر این معنی تأکید شده که سرانجام این خود انسان است که تصمیم می گیرد حق و هدایت را بپذیرد و یا راه ضلالت را برگزیند. از جمله می توان به آیات زیر اشاره کرد:

فذكر انما انت مذكر لست عليهم بمصيطر
(سوره غاشیه آیه ۲۱ و ۲۲)

انا انزلنا عليك الكتاب بالحق فمن اهتدى
فلنفسه و من ضل فانما يضل عليها و ما انت
عليهم بوكيل. (سوره زمر آیه ۴۱) به همین
مضمون آیات ۱۰۸ سوره یونس، ۹۲ و ۹۱ سوره
نمل، ۲۰ سوره آل عمران و...

اصل موضوع این است که از دیدگاه اسلام، انسان به عنوان موجودی به حساب می آید که دارای فکر و اندیشه و قدرت تشخیص و گزینش است و بدین لحاظ دارای کرامت و حیثیت ذاتی است و بر دیگر موجودات برتری دارد و لذا قرآن بالحنی عام و یکنواخت در مورد نوع بشر

فرموده است: «ولقد کرّمنا بنی ادم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً.» (سوره اسراء آیه ۷۰)

این نوع نگرش به انسان که با بیان اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده (۱): «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدان می باشند...» نیز سازگاری دارد، طبعاً در مورد نقش و حقوق افراد انسانی در تعیین سرنوشت جامعه خود نیز مؤثر است، ولی بحث بیشتر در خصوص این مفهوم از تعیین حق سرنوشت جایش در مباحث کلامی است و لذا در این مجال بیشتر به آن پرداخته نمی شود.

۲. حق تعیین سرنوشت ملت ها در مقابله با سلطه خارجی

حق تعیین سرنوشت با این مفهوم که هر ملتی حق دارد خود نظام سیاسی خویش را تعیین نماید و تحمیل یک نظام حکومتی از سوی قدرت خارجی بر یک ملت مشروعیت ندارد که ابتدا از بند ۲ ماده (۱) منشور ملل متحد و ماده (۱) میثاقین چنین برداشتی مورد نظر بوده است، همچنان دارای اهمیت است. اما بحث در مورد حق تعیین سرنوشت از دیدگاه اسلامی بدین مفهوم، نمی تواند چندان مفید فایده باشد زیرا عنوان ملت به مفهومی که امروزه در نظام

جهانی جا افتاده است در دیدگاه مذهبی اسلام به طور مشخص جایی ندارد. در اسلام تقسیم‌بندی اصولاً بر اساس امت اسلامی و غیراسلامی است در این زمینه صرفاً می‌توان به تأکیدی که بر استقلال و آزادی امت اسلامی و احتراز از سلطه کفار بر مسلمانان شده است اشاره کرد که تبلور این معنی در آیه شریفه: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» دیده می‌شود. ولی اصطلاح حق تعیین سرنوشت یک اصطلاح حقوق بشری است که در بطن خود اعمال این حق را فارغ از ملاحظات و تعلقات نژادی، جنسی و مذهبی دارد و از سوی دیگر جهان اسلام نیز عملاً تقسیم و تمایز دولت‌ها و ملت‌ها را نه صرفاً بر اساس مرزبندی عقیدتی اسلامی و غیراسلامی، بلکه بر مبنای تعاریف عرفی و بین‌المللی رایج پذیرفته است. لذا جایگاه چندانی برای بحث درباره حق تعیین سرنوشت ملت‌ها از دیدگاه اسلامی به معنای خاص وجود ندارد. هر چند وجود ملت‌های مختلف و تکیه بر حق تعیین سرنوشت آنها به وسیله نفی قدرت خارجی مغایرتی هم با مبانی اسلامی ندارد.

و بند ۳ همان ماده می‌گوید: «اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد...» و ماده (۲۵) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به طور مبسوطتری مقرر می‌دارد: «هر شهروند حق و امکان خواهد داشت بدون در نظر گرفتن هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده (۲) و بدون محدودیت‌های غیر معقول:

الف- در اداره امور عمومی بالمباشره یا به واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب شوند شرکت نماید.

ب- در انتخابات ادواری که از روی صحت به آرای عمومی مساوی و مخفی انجام شود و

۳- حق تعیین سرنوشت به مفهوم مشارکت افراد ملت در تعیین سرنوشت جامعه

حق تعیین سرنوشت بدین مفهوم، امروزه مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران است که معتقدند

تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد، رأی دهد و انتخاب بشود.

ج- با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نایل شود. اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره نیز در بند ب ماده (۲۳) این حق را برای همه افراد انسانی شناخته و مقرر داشته است: «هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید.»

حق تعیین سرنوشت در دیدگاه اسلامی

در نظام اسلامی، به اصل شوری و دخالت مردم در تدبیر امور جامعه عنایت خاصی مبذول شده است. قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ به پیامبر اکرم (ص) امر می کند که با مسلمانان مشورت نماید و نظر آنها را بخواهد (و شاورهم فی الامر) و در سوره شوری آیه ۳۸ از جمله اوصاف مومنین شورایی بودن امور را در بین آنها اعلام می کند و می فرماید: «وامرهم شوری بینهم». در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ به طور جمعی مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند که به ریسمان خدا چنگ بزنند و پراکندگی در خود ایجاد نمایند: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». آیه ۱۰۴ همان سوره مسلمانان را امتی می داند که به نیکی دعوت می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف

و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون.» به لحاظ نقشی که اسلام برای عموم در امور کشور و قرار دادن امر در مجرای صحیح عدالت و رعایت حقوق همه افراد قائل است، خطاب به عموم مسلمانان وظیفه اقامه عدل و قسط را در جامعه اسلامی به آنان یادآوری می نماید. در سوره نساء آیه ۱۳۵ می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم...»

و در سوره مائده آیه ۸ نظیر همین مضمون می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجر منکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی...»

قرآن کریم هدف عمده بعثت پیامبران را به غیر از جنبه هدایت و اصلاح فردی مردم اقامه قسط و عدل و برقراری نظم عادلانه در جامعه و نفی هر گونه تبعیض و استبداد و سلطه فردی طبقه ممتاز اعلام می کند. آیه ۲۵ سوره حدید می فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...» آیه ۱۳ سوره حجرات با نفی هرگونه امتیاز برای افراد و گروه ها، تنها معیار بزرگی و شرافت را تقوی و پرهیزگاری می داند: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم.»

قرآن بانفی و تقبیح افراد و گروه های حکومت گر خودسر و طرفدار امتیاز طبقاتی و

برتری قومی و نژادی از روی کار آمدن افراد شایسته و مردمی حمایت می‌کند و حکومت مطلوب را حکومت صالحان می‌داند. در سوره قصص آیه ۴ در مقام تفسیح حکومت خودسر فرعون می‌گوید: «ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعاً یتضعف طائفة منهم..» در

سوره انبیاء آیه ۱۰۵ سرانجام حکومت مطلوب را حکومت صالحان می‌داند «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون.»

نوع بیان آیات قرآن در این زمینه که نمونه‌هایی از آن ذکر شد به خوبی نشان‌دهنده این است که اسلام برای افراد و اعضای جامعه اسلامی، حق و مسئولیت شرکت در اداره امور جامعه و تصمیم‌گیری برای آن را شناخته است. حدیث معروف منقول از پیامبر اکرم (ص) که فرمود: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة (همه شما به نوعی مدیریت دارید و همه نسبت به امور تحت مدیریت خود مسئول می‌باشید) به روشنی دلالت بر حق شرکت افراد جامعه در تصمیم‌گیری و اداره امور دارد.

شیوه و سیره عمل پیامبر اکرم (ص) نیز در دوران حکومت و قدرت بر مبنای مشورت با مردم و اعتنای به رأی و نظر آنها بوده است. چنان که طبق نقل سیره نویسان در ترتیب صف آراییی و موضع‌گیری در برابر دشمن در جنگ بدر^۲ و نحوه مقابله با دشمن در جنگ احد^۳ و

۲. سیره ابن هشام، جلد ۲، ص ۲۶۷، ثم قال رسول الله (ص): اشیرو اعلیٰ انہا الناس.

۳. همان، جلد ۳، ص ۶۷. ۴. همان، جلد ۳، ص ۲۲۴.

بوده (نهج البلاغه خطبه ۲۰۷: فلا تكفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل).

بر اساس همین تلقی از دیدگاه اسلام در خصوص عنایت به حق شرکت مردم در تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت سیاسی کشور و اداره امور عمومی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در مقام تبیین ساختار یک حکومت مبتنی بر زیربناهای دینی است، در اصل ۵۶ می‌گوید: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است، هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاصی قرار دهد...» و در اصل ششم مقرر داشته: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود...» و اصل هفتم می‌گوید: «طبق دستور قرآن کریم: (و امرهم شوری بینهم)» و «شاورهم فی الامر» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش و روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری هستند» و بند ۸ اصل سوم یکی از وظایف نظام جمهوری اسلامی را فراهم کردن امکانات و زمینه‌ها برای: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» بر شمرده است.

در اینجا لازم است خاطر نشان سازم که متأسفانه امروزه با وجود تأکید فراوان اسناد بین‌المللی در شناسایی حق تعیین سرنوشت برای ملت‌ها و آحاد مردم، جهان اسلام، شاهد اشغال سرزمین اسلامی فلسطین توسط نیروهای اشغالگر صهیونیستی و سلب حق تعیین سرنوشت از ملت فلسطین است. متأسفانه بعضی از دول قدرتمند جهانی نیز به جای محکوم کردن اسرائیل و وادار نمودن آن دولت به اجرای مقررات منشور و میثاقین و اعلامیه وین در محترم شمردن حق تعیین سرنوشت مردم مظلوم فلسطین، او را در نقض فاحش این اصل مهم حقوق بشری حمایت می‌کنند. در حالی که مهم‌ترین شرط لازم برای برقراری صلح در جهان و رفع توسل به خشونت و ترور که متأسفانه امروز دنیا عمیقاً گرفتار آن شده است، رعایت حقوق افراد و ملت‌هاست، همان‌گونه که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است: «از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد...»

امیدوارم با تلاش و مقاومت مردم ستم‌دیده فلسطین و حمایت دولت‌ها و ملت‌های مدافع حقوق بشر و طرفدار اجرای صحیح و غیرگزینشی مقررات حقوق بشری منشور، میثاقین، اعلامیه وین و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، این ملت بتواند سرنوشت سیاسی خود را به دست خویش تعیین کند و از اشغال صهیونیست‌ها رها شود.